

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به قلم فلیکس هلیبگ و دیگران*

روزنامه المانی برلینر سایتونگ

برگردان از: حمید بهشتی

به اساس اصل خشم

جنبش اکیوپای

<http://www.berliner-zeitung.de/politik/occupy-bewegung-das-prinzip-empowerung-10808018.11043702.html>

نیویورک، لندن، فرانکفورت: دائم انسانهای بیشتری به نظام مالی موجود معترض اند. اما چگونه می شود از احساس بی عدالتی در سراسر جهان جنبشی همگون به وجود آید؟

تبصره ۱

در یکی از همین شب ها که انسان نفیر وزش باد را در میان برج های مرتفع فرانکفورت می شنود کلاودیا کهیل باز هم بر نیمکتی نشسته و خشمناک است. این زن ۲۵ ساله در باره بحران بدهکاری کشورها، مکانیزم تثبیت و کمبودهای مشارکت دموکراتیک سخن می گوید. وی پتویش را محکم تر بر دور کمر خویش می پیچد، زیرا هوا سرد است. با اینحال او به گفت و گوی خود در باره عصر جدید با اشخاصی که تا چند روز پیش آنها را نمی شناخته است ادامه می دهد.

کلاودیا کهیل یکی از ده ها فردی است که چادر خویش را در این محل، در کنار مراکز بانک های بزرگ بر پا کرده اند. او می گوید خوبی کار در این است که من دیگر در مقابل این مسائل تنها نیستم. در واقع نیز هر شب هزاران انسان در میان آن برج های مرتفع گرد هم جمع می شوند. آنها پیر و جوان اند، با صدای بلند و آرام، ضد فاشیسم و مخالف نیروگاه های هسته ای، منتقدان جهانی شدن و دانشجویان طالب مدینه فاضله اند (اوتوپیست). آنها از اهالی شهرها و روستاها، از ایالات هسین و شواب بوده، اشغالگران فرانکفورت می باشند «اکیوپای فرانکفورت».

تصویر ۲

اینها بخشی از جنبش جهانی می باشند که در پایان هفته گذشته (۱۵ و ۱۶ اکتوبر) صدها هزار تن را بسیج نمودند. ۵ هزار در فرانکفورت، ۵ هزار در لندن، ۱۰ هزار در اسپانیا، ۲۰۰ هزار در رُم. در این تظاهرات ها هیچ

رهبری وجود نداشت، فقط یک احساس مشترک: برآشفتگی از این که در کشوری که زندگی می کنند برای بانک ها بیشتر هزینه می شود تا برای انسانها. در حالی که نظام سیاسی از این اعتراضات در شگفتی بوده و پاسخی برای آن ندارد.

زیرا همین چند هفته پیش بود که شمار این تظاهرکنندگان به چند صد تن نیز نمی رسید و در نیویورک تحت عنوان اشغال وال استریت «اُکیوپای وال استریت» جمع شده بودند. جمعی خیالپرداز که چشمان خویش را بر واقعیات موجود بسته و اکنون چرخ زمانه را در حمایت خویش یافته اند. در حالی که اکثریت خاموش مردم نیز از آنها حمایت می کنند. اما آنها از این شتاب گسترده چگونه می خواهند استفاده کنند؟ چگونه از یک احساس جهانی و از توده های ناهمگون یک جنبش جهت دار به وجود می آید؟ ایجاد یگانگی وظیفه بزرگی است که در مقابل کمپ هائی که در سراسر جهان در هفته های گذشته به وجود آمده اند قرار دارد.

«طبیعی است که این کار خسته کننده ای است»

کلادیا کهل می گوید «ما از صفر آغاز کرده و کاملاً فارغ از هرگونه قید و بندی هستیم». «ما بدو با هم بر این توافق داریم که به صورت فعلی ادامه وضع حاضر ممکن نیست». «با این که هیچ گونه فرمانفرمایی در تجمع اشغال فرانکفورت وجود ندارد»، در همین روزهای نخست یک سازماندهی شگفت انگیزی به وجود آمده است. دستجات کار جمعی و کارگاه های مختلفی به وجود آمده اند. مثلاً یک نفر پیشنهاد می کند اعلامیه جدیدی تنظیم گردد یا در باره نظام آموزشی بحث شود، بلافاصله ۱۵ تا ۳۵ نفر گرد هم جمع می شوند و شروع به کار می کنند. ظهرها و شب ها تجمعات عمومی تشکیل می گردد «Asambleas»، به تبعیت از مدل اسپانیا و به دنبال گردهمایی هائی که در تابستان امسال در "پورتا دل سل" واقع در مادرید توسط اولین اروپائیان خشنماک تشکیل گشت.

تصویر ۳

از آنجائی که در ماه اکتوبر آب و هوای فرانکفورت بدتر از ماه مه در اسپانیا است، در فرانکفورت اکنون چند صد نفر در راهروهای ساختمان تئاتر جمع شده اند. در حالی که در یکی از سالن های تئاتر نمایشنامه جرج تابوریس در باره جنگیات هینلر تحت عنوان «نبرد من» بر روی صحنه می باشد، در کافه تریا مرد جوانی باریش بزی مقابل اتومات بازی فلیپ ایستاده است. نام او سیبا می باشد. وی مقررات این تجمعات را شرح می دهد. هر کسی هرچه بخواهد می تواند بگوید. لیستی برای سخنگویان هست و زمان صحبت هم محدود است. هر که با سخن گفته شده موافق باشد، دستان خویش را در هوا تکان می دهد و هر که با آن مخالف باشد با دستان خویش چهره خود را می پوشاند. درست مانند نیویورک، لندن، رم، ساوپاولو و هلسینکی. اینها علائم رفتاری مشترک جهانی در جنبش می باشند.

با اینحال کار این تجمعات خیلی زمان می برد و زمانی به نتیجه می رسد که همه حاضران دستان خویش را تکان دهند. زیرا فقط در صورت رسیدن به اجماع، توافق جمعی حاصل می گردد. سیبا می گوید «البته این کار خسته کننده ایست». اما ما باید دیگر این را بپذیریم که فرایندهای دموکراتیک خسته کننده تر از آنست که هر چند سال مردم پای کاغذی را ضربدر بگذارند.

برای گسترش این علائم رفتاری یک شبکه جهانی فعالیت می کند، با تکیه بر راه های ارتباطی که به همان میزان متکثر است که خود این جنبش گسترش دارد. بیش از هر چیز رسانه های جدید مورد استفاده فعالان قرار می گیرند. بدین صورت در سایت رسمی جنبش خواست های تظاهرکنندگان انعکاس می یابند. این یک جریان حیات اینترنتی

است از اعتراضات و زمان های مربوطه که به اطلاع فعالان می رسد. علاوه بر این طرفداران جنبش یک سایت جداگانه ای را به وجود آورده اند. تحت عنوان «ما همان ۹۹ درصدیم» صدها تن به شرح شرایط زندگی خویش می پردازند که تحت تأثیر بحران مالی بدان مبتلا گشته اند. فراخوان های مربوط به فعالیت ها و تجمعات از طریق توئیتر و فیس بوک منتشر می گردند. تفاوت این شبکه مجازی با جنبش اشغال در جهان واقعی این است که دارای نوعی مرکزیت است.

در زیر چتری صورتی رنگ جوانانی در پارک زاکوتی واقع در نیویورک کنار لب تاپ های خویش نشسته و تایپ می کنند. برخی از آنها نقاب سوء قصد کننده انگلیسی مربوط به سال ۱۶۰۵ به نام گای فوکس را که قصد انفجار پارلمان و شاه انگلیس را داشت، بر چهره خویش نهاده اند. سیمای او نوعی علامت مشخصه برای جنبش در سراسر جهان گشته است. دور این آدم های ماسک دار عده ای بر زمین نشسته و با هم گفت و گو می کنند. در هر گوشه ای توسط معترضین سخنانی ایراد یا افرادی گیتار می زنند. تیم رسانه ئی جنبش، مراقب توئیتر و فیس بوک است و وضع اخبار را در رسانه های جمعی بزرگ تحت نظر داشته، نشر گزارشات ارسالی از پارک به سراسر جهان را لحظه به لحظه بررسی می کند. به گفته میکائیل پرمو که یک خبرنگار رادیو می باشد، کار تیم رسانه ئی پارک زاکوتی در محله مانهتن فقط اوج اینگونه فعالیتهاست. در دفاتر و خانه های افراد در تمام شهر صدها تن از حامیان اشغال در هماهنگی با هم فعالیت می کنند. در کنار فعالیت های مزبور در اینترنت یک روزنامه کاغذی «اکیوپای» نیز انتشار می یابد. به گفته پرمو «ما کارمان به جایی رسیده است که یک سازمان خبری درست و حسابی و همه جانبه در اختیار داریم».

علاوه بر این، فعالان از برنامه هائی نظیر «ویبه» که از آپ های مربوط به آیفون باشد نیز استفاده می کنند، که ارتباط بی نام را با افراد بسیاری که در همین حوالی در گوشه و کنار پر و پخش می باشند سامان می دهد. تظاهر کنندگان لحظه به لحظه با یکدیگر تفاهم می کنند، بدون شنود پولیس و بدون این که مانند تلفن و اس ام اس قابل شناسائی باشند. هرگاه پولیس با خشونت علیه تظاهر کنندگان اقدام نماید، فعالان با اسلحه اینترنت بدان پاتک می زنند. پی گیر کنندگان گروه بی نام، نشانی و شماره موبایل یکی از افراد پولیس را که گویا در نیویورک با اسپری ففلی و بدون اخطار قبلی به مردم حمله کرده بود را شناسائی و منتشر ساخته اند.

سازماندهی در دنیای غیرمجازی نیز در نیویورک حیرت انگیز است. در جلوی میزی بر تخته آگهی هائی که بر آن زمان های دقیق هفتگی مشخص شده است قرار دارد، با برنامه دقیق عملی برای ۶ تا ۱۰ گروه از فعالان. ساعت ۱۱ گروه رسانه ها جلسه دارد، ساعت ۱ گره بانوان و ساعت ۲ گروه همکاری جمعی برای بر پا نگاه داشتن ارتباط با سایر گروه های سیاسی. ساعت هفت بعد از ظهر مانند همه روزه مجمع عمومی است.

به گفته میکائیل پرمو «اساس کار بسیار ساده است». مردم به پارک زاکوتی آمده و می پرسند چکار از دستشان بر می آید و هر کس وظیفه ای را برای کمک کردن می یابد، چه آشنیزی باشد و چه کمک حقوقی در نقش وکیل مدافع برای کسانی که دستگیر و دادگاهی شده اند.

پس از یک ماه اعتراضات پیاپی روستای اشغال تبدیل به ماشین اجتماعی روغنکاری شده ای که مانند یک ساعت کار می کند، شهرکی در میان شهر با تجهیزات مناسب برای تثبیت حضور خویش در مرکز سرمایه داری مالی گشته است.

جنبش در لندن نیز می خواست حضور خویش را تثبیت نماید. خواسته اصلی آن ها استقرار در مقابل مرکز تبادلات بورس بود. بی شک آنجا به خوبی به نمونه اشغال وال استریت در نیویورک می خورد. اما میدان مقابل بورس لندن

را به موقع پولیس اشغال کرده بود. لذا تظاهر کنندگان میدانی در جلوی کاتدرال پاولوس را برای استقرار برگزیدند. اداره کلیسا نیز توافق خویش را با آن اعلام نمود، به شرط آنکه فعالیت ها صلح جویانه باشد.

تصویر ۴ و ۵ کنار هم

این درخواست کلیسا البته با خواسته های تظاهر کنندگان در توافق کامل بود. به گفته ناتالی ۲۹ ساله که منشی یکی از شرکت ها بوده و از ذکر نام فامیلش خودداری می کند قریب به ۳۰۰ چادر به طور منظم در کنار یکدیگر قرار گرفته اند و حتی شرایط ضروری که از جانب اداره «آتش نشانی ذکر شده اند» نیز مراعات گشته است. «شاید صد سال نباشد که اینجا آتش سوزی نشده است. اما ما به هر حال از اقدامات خشونت آمیز پرهیز می کنیم».

تا بعد از ظهر روز جمعه کمپ فعالان آنچنان وسعت یافت که مدیریت کلیسای پاولوس مقدس در های کلیسا را برای اولین بار پس از جنگ جهانی بر روی مردم بست، با این استدلال که شعله های آتش و راه های اشغال شده در میدان جلوی کلیسا برای بازدید کنندگان کلیسا و توریست ها وضعیت خطرناکی را به وجود آورده است.

در لندن نیز مخالفان نظم قدیم به سرعت به کار خود سامان داده اند: اعتراض خشونت بار مردود شمرده شده، مشروبات الکلی مضموم و روزانه دوبار مجمع عمومی تشکیل می گردد که در آن ها در باره برپائی شبکه های ارتباطی و نصب توالت های قابل حمل و فعالیت های بعدی تصمیمات لازمه اتخاذ می گردند. اگر سوالات ویژه ای مطرح گردند، به گروه های کارشناسی ارجاع داده می شوند که به گروه های حقوقی، رسانه ئی و مالی دسته بندی شده اند. دسته آخر برای جمع آوری اعانات تأسیس گشته است. علاوه بر این ها چادری برای اطلاعات، یک بوفه و یک کتابخانه سر باز هست، میزی که روی آن کتب رسیده برای استفاده همگانی گذاشته شده اند.

کم سامان تر از این ها اوضاع تدارکاتی مربوط به اهداف اشغال کنندگان است، علی رغم این که آنها در مخالفت خود با رژیم موجود که نسبت به عواقب کارها بی توجه بوده، غیر دموکراتیک و ظالم می باشد و در مخالفت خود با بانک ها با هم توافق دارند. زن ۲۵ ساله ای به نام لیز با پوستری که بر بالای چادر [خیمه] خود نصب نموده است، توجه عموم را به فحشاء با کودکان در سراسر جهان جلب می کند. یک پروفیسور بازنشسته مردم شناسی جمعیت مقابل کلیسای پاولوس را با تجمعات میدان تحریر قاهره مقایسه می کند و خواهان سرنگونی سرمایه داریست. ناتالی راضی می بود اگر بانک ها بخش اعتبارات و بخش بورس بازی فعالیت های خود را از هم جدا می کردند. با این کار حتی مسؤول خزانة داری انگلستان، جرج اوسبورن، نیز توافق دارد. وی قصد دارد این کار را تا سال ۲۰۱۹ به انجام رساند.

«مسکن ما میدان های عمومی است»

همینگونه در جمعیت فرانکفورت نیز بیشتر به مباحث اصولی توجه می شود. نزدیک نیمه شب است و یکی از افراد می خواهد سرمایه داری را سرنگون سازد. افراد دیگری هستند که خواهان لغو اعتبارهای بانکی فاسد می باشند که درک مفهوم آن برای گروهی دیگر مشکل است. به همینگونه ساعت ها بحث ادامه دارد. مالیات بر انتقال سرمایه های مالی، افزایش حقیقی مزدها و مبارزه با تحولات محله های شهری که به بی خانمان شدن اهالی کم بضاعت منجر می گردند (چتریفیکیشن).

آنگاه مرد جوانی به نام استفان می گوید «ما باید موضع خود را در زمینه مخالفت با خشونت روشن سازیم».

«آغوش ما برای حضور تمامی گروه های مردم هنگامی واقعاً باز است که مطلقاً صلح آمیز باشیم».

و دیگری می پرسد: «در اینصورت باید دید تکلیف مقاومت غیرمسلحانه چه می شود».

دختری از پشت جمعیت با صدای بلند می گوید: «مقاومت غیر مسلحانه آری، خشونت نه». آنگاه همه دستان خود را در هوا تکان می دهند. اندکی دیگر این عبارت با ماژیک مشکی رنگ در زیر فهرست مصوباتی که فعالان به طور موقت در کناری نصب نموده اند نوشته می شود: «عدم خشونت».

آیا ممکن است یک جنبش بدینگونه موفقیت آمیز گردد؟ و آیا قادر خواهد بود زمستان را سپری نماید؟ پیوتر لواندوسکی لبخندی می زند. او ۲۲ ساله بوده، لهستانی و متولد اسپانیا می باشد. وی شرح می دهد که پس از بیکار شدنش از یک کارخانه کارتن سازی در ماه می از سانتاندر پیاده به مادرید رفته است و از آنجا به فرانسه و تا بروکسل و عاقبت پس از طی ۲۵۰۰ کیلومتر راه به فرانکفورت رسیده است. وی فقط تا مادرید به کمک دوستانش بیش از ۵۰۰ تجمع را سازماندهی کرده و از مردم خواسته است که علیه اداره جات دولتی که با استبداد، هر کاری که باب میلشان باشد انجام می دهند، مقاومت کنند. وی می گوید: «شما یک چادر می زنید و زمانی آن تبدیل به خانه ای می شود. مساکن ما اکنون میدان های عمومی می باشند. آنها دیگر قادر نیستند از شنیدن سخنان ما خودداری کنند».

* فلیکس هلیگ، باربارا کلیمکه، سباستیان مل و ماتیاژ تیمه



نقاب گای فوکس را که در سال ۱۶۰۵ علیه پارلمان انگلستان سوء قصد نافرجامی را انجام داد، گروه همکاری اینترنتی «بی نامان برای حفظ هویت خویش» مشهور ساختند. اکنون از این نقاب، جنبش اشغالی «اکیوپای» در سراسر جهان استفاده می کنند. (تصویر از دی پی ای)



علیه رفتار استبدادی پولیس و به جانبداری از مالیات بر ثروتمندان: نیویورک، وال استریت - تصویر از رویترز



وقت تمام شد: اعتراض در کت و شلور، لندن، مقابل کاتدرال پاولوس - تصویر از رویترز



توضیح عکس های ۴ و ۵

هزاران تن تظاهر کننده در شنبه ۱۵ اکتوبر ۲۰۱۱ در برلین ، در محل استقرار دولت در مخالفت با نفوذ بانکها. الگوی تظاهر کنندگان جنبش اعتراضی «اکیوپای وال استریت» در امریکاست (وال استریت را اشغال کنید) که علیه نظام مالی است. در همان روز در بسیاری از شهرهای المان هزاران تن تحت عنوان «تحول جهانی» به خیابانها رفتند. (تصویر از دی پی ای)

۲۲ اکتوبر ۲۰۱۱